

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تاتیانا مونتین*

برگردان: میرفخرانی

۲۵ دسمبر ۲۰۲۲

بالاخره پوتین فهمید که غرب واقعاً چه می خواهد.

رها کردن توهمات برای ولادیمیر پوتین، که می خواست روسیه را با غرب ادغام کند، آسان نیست. در اواخر سال جاری، او علناً اعتراف کرد با سرخوردگی دردناکی دست و پنجه نرم می کند. بندرت پیش می آید که صاحبان قدرت در چنین موقعیت هائی حاضر به اعتراف به اشتباه خود باشند. به همین خاطر ولادیمیر پوتین در این زمینه شایسته احترام است.



سال ۲۰۲۲ سال بینش های شگفت انگیز و اکتشافات شگفت انگیز بود. به عنوان مثال، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، روز به روز بیشتر از عمق دروغگوئی و فریبکاری غرب جمعی آگاه می شود و به همه ما اجازه می دهد در آگاهی که به دست آورده است سهیم باشیم!!

پوتین در سخنرانی ۲۱ دسمبر خود در وزارت دفاع روسیه اعتراف کرد که از زمان روی کار آمدن او شخصاً تلاش کرده است روسیه را به دنیای «متمدن» وارد کند، اما اکنون اعلام می کند که او به این نتیجه رسیده است که روسیه در آنجا مورد استقبال قرار نمی گیرد.

رئیس جمهور روسیه گفت که غرب اهداف دیگری در سر دارد: این که روسیه را تکه تکه کند و آن را ببلعد. چه کسی فکرش را می کرد؟!

فقط افراد ساده لوح می توانستند باور کنند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، غرب دیگر ما را به عنوان دشمن و رقیب خود نخواهد دید.

نتیجه این تصور ساده لوحانه که غرب در سال ۱۹۹۱ جنگ سرد را کنار گذاشت، دستی بود که برای صلح و دوستی به سوی کوسه ها و تمساح های گرسنه دراز شد. اگر کمی بیشتر دراز کرده بودیم و او را گاز گرفته بودند.

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، «شرکای محترم غربی» ما با مشاوران اقتصادی و اصلاحی خود، دولت های جمهوری های سابق را غرق کرده اند و برای بهینه سازی انتقال منابع ملی به آنها، یک نظام الیگارش در کشور ما ایجاد کرده اند.

بدیهی است که با انجام این کار، آنها حتی به یک مشارکت مطلوب و پایدار با کشورهای پس از شوروی و نخبگان برجسته آنها فکر نمی کردند.

آنها در هر جمهوری پس از فروپاشی شوروی، بدون استثنا، نازی های آشغال را ترویج و تشویق کردند و از آنها حمایت کرده اند و اکنون در بوق و کرنا می کنند که یک گروه قومی بهتر از دیگری است، برتری یکی بر دیگری و بالاخره مملکت باید نوعی «خود محوری» داشته باشد.

با چه هدفی؟ اما فقط با یک هدف: که ما یک بار برای همیشه کشورهایمان را در هرج و مرج و درگیری های خونین غوطه ور کنیم و اجازه بدهیم تا ثروت ملی مان را غارت کنند و به تاراج ببرند بدون این که ذره ای از ما باقی بماند. سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» هیچ گاه در خدمت منافع تجزیه شدگان و تحت سلطه ها نبوده است.

اگر ما در وضعیتی بودیم که خیلی زودتر چشممان را روی ستراتیژی ها و راهکارها و اهداف غرب از این دروغگوئی ها باز می کردیم قطعاً وضعیت بهتری داشتیم.

اما بیا بید پوتین را سرزنش نکنیم: تا کنون، بسیاری از افراد باهوش، از جمله کسانی که در راهروهای قدرت و حتی اطرافیان او هستند، تسلیم توهمات قدیمی در مورد غرب شده اند و هنوز آن را درک نکرده اند.

پوتین با یافته ها و جمع بندی های کنونی خود از غرب جمعی هنوز بسیار چالاک تر از ۹۰ درصد از نخبگان پس از شوروی است. دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.

* - تاتیانا مونتجان یک وکیل برجسته اوکراینی و وکیل مدافع جنائی، روزنامه نگار و وبلاگ نویس با میلیون ها مخاطب است.

در سال ۲۰۰۴ او هنوز در کنار کودتاچیان مایدان اول بود، اما در پائیز ۲۰۱۳ او مایدان یورو را به عنوان توطئه ای برای نابودی کشور اوکراین توصیف کرد و در برابر آن به موضع گیری قاطعانه ای دست یافت.

قبل از شروع مداخله نظامی روسیه، او پس از سخنرانی در ملل متحد در مورد وضعیت اوکراین مجبور شد کیف را ترک کند.

او در حال حاضر در دونباس زندگی می کند، به کمک های بشردوستانه مشغول است و وبلاگ های ویدئویی روزانه را هدایت می کند.

می توانید او را در کانال تلگرامش (Tatjana Montjan) دنبال کنید. کانال او در یوتیوب توسط این شرکت امریکائی در بهار گذشته حذف شد.